

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

ادامه مسئله يازدهم تحرير الوسيله

در مسئله يازدهم تحرير الوسيله به اين عبارت رسيديم: «كما أنه لو كان كسوباً قادراً على تحصيلهما في الطريق لا يجب و لا يكفى عنها»^[1]، امام خميني(قدس سره) پس از اين كه فرمود: در باب استطاعت، شخص يا بايد عين زاد و راحله را داشته باشد و يا بايد قيمت آن را داشته باشد و بعد از اين كه در راحله مسئله قوت و ضعف، شرافت و ضعه را معتبر دانست، در ادامه اين فرع را مطرح مي‌كنند كه اگر كسي همين الان زاد ندارد، اما مي‌تواند در راه حج از طريق كسي كه انجام مي‌دهد و كاسبي‌اي كه دارد زاد خودش را تهيه كند يا راحله ندارد اما مي‌تواند از همين طريق از طريق كسوب بودن راحله را تهيه كند (يك مقداري كار كند پولی به دست بياورد دوباره با آن پول يك مقدار ديگر را بخواهد حركت كند و برود)، آيا بر چنين شخصي واجب است كه برود و كسب را انجام بدهد و زاد و راحله را به دست بياورد؟

مرحوم امام مي‌فرمايد: واجب نيست و اگر اين كار را انجام داد از حجة الاسلام كفايت نمي‌كند. امام(قدس سره) اين فرع را در ذيل يك مسئله‌اي بيان كردند، اما مرحوم سيد در عروه به عنوان يك مسئله مستقل اين را مطرح کرده و مي‌فرمايد: «إذا لم يكن عنده الزاد و لكن كسوباً يمكنه تحصيله بالكسب في الطريق لأكله و شربه و غيرهما من بعض حوائجه هل يجب عليه أو لا؟ الاقوى عدمه و إن كان احوط.»^[2]

نكته قابل توجه آن است كه مرحوم سيد اين فرع را فقط در زاد مطرح کرده كه عادتاً كسي كه مي‌خواهد به حج برود بالآخره راحله را از اول بايد تهيه كند، امام(قدس سره) در هر دو ذكر مي‌كنند: «لو كان كسوباً قادراً على تحصيلهما»؛ يعني هم مسئله را روى زاد آوردند و هم در راحله. سيد(قدس سره) مي‌فرمايد: اقوى اين است كه اين واجب نيست اما احتياط اين است كه برود حج را انجام بدهد.

مرحوم گلپايگانی در حاشيه عروه مي‌فرمايد: «لكنه لو عمل بهذا الاحتياط لا يترك الاحتياط بتكرار الحج بعد الاستطاعة»، اگر بعد از اينكه دوباره مستطيع شد باز بايد به حج برود، «الا اذا كان مستطيعاً من الميقات في الاول»^[3]؛ مگر اين كه زاد و راحله نداشت و به ميقات رسيد، از ميقات زاد دارد، حج او كفايت مي‌كند.

ديدگاه فقيهان در مسئله

دو ديدگاه در اين مسئله وجود دارد:

1. کسی که کسوب است (یعنی حرفه‌ای دارد و اهل کسب است مثل این که آرایش‌گر است و می‌تواند در طریق از راه کسبش زاد و توشه خودش و یا راحله را تحصیل کند) حجّ بر او واجب نیست و اگر هم به حجّ رفت از حجة الاسلام کفایت نمی‌کند.

2. قول دوم (که مرحوم نراقی در مستند قائل است) آن است که حجّ بر چنین شخصی واجب است.

ادله دیدگاه اول: عدم وجوب حجّ

دلیل اول: نخستین دلیل دلیلی است که محقق خویی (قدس سره) ذکر می‌کند: «العبرة فی التمكن من الزاد بالوجدان الفعلي و الاستطاعة إنما تصدق فی صورة التمكن من الزاد فعلاً أو قيمة»؛ بگوییم ملاک استطاعت فعلی است، این شخص که الآن می‌خواهد حرکت کند باید مستطیع باشد و حال آن که فرض این است که زاد ندارد و باید بین راه يك کسبی انجام بدهد و پولی به دست آورده و با آن پول زاد و توشه برای خود تهیه کند.

بنابراین بالفعل عنوان استطاعت را ندارد و اگر بگوییم در طریق می‌تواند اکتساب کند، این می‌شود از موارد تحصیل استطاعت، یعنی باید کار کند پول پیدا کند که با آن زاد پیدا کند این می‌شود از موارد تحصیل استطاعت و تحصیل استطاعت واجب نیست.^[4] مرحوم شاهرودی با تعبیر دقیق‌تری می‌فرماید: «لا يتحقق الحكم إلا بعد تحقق موضوعه جامعاً للشرائط»؛ هر حکمی بعد از این که موضوعش محقق شد آن حکم فاعیلت پیدا می‌کند.

در اینجا می‌گوییم استطاعت از شرایط وجوب حج است و این شخص الآن مستطیع نیست تا حجّ بر او واجب باشد. الآن که در وطنش است و زاد بین راه را ندارد و باید برود کار کند و با پولش زاد تهیه کند مستطیع نیست و به همین جهت شرط وجوب تحقق پیدا نکرده است. لذا این حکم وجوب الآن در اینجا نیست.

این دلیل هم در کلمات محقق خویی (قدس سره)، هم مرحوم شاهرودی و هم مرحوم والد ما آمده است که استطاعت باید فعلیه باشد و چنین شخصی که باید برود در راه کار کند، پول به دست بیاورد و با آن پول برای خودش زاد تهیه کند، پس الآن که بالفعل زاد ندارد عنوان مستطیع را ندارد و شرط وجوب محقق نیست و شرط وجوب که محقق نباشد، تبعاً خود وجوب حجّ نیامده است.

دلیل دوم: در کلام محقق خویی (قدس سره) اضافه‌ای است و آن این که این روایاتی که داریم «له زاد و راحله» ظهور در این دارد که بالفعل مستولی بر زاد و راحله باشد؛ یعنی بالفعل این زاد و راحله در اختیارش باشد، اما کسی که تمکن و قدرت دارد که بعداً در راه کار کند و با آن کاری که انجام می‌دهد برای خودش زاد به دست بیاورد، الآن به او نمی‌گویند که استیلاء بر زاد و راحله دارد.

تا اینجا دو دلیل برای عدم وجوب ذکر شد: (1) استطاعت فعلیه ندارد؛ یعنی الآن بالفعل مستطیع نیست. (2) عنوان «له زاد و راحله» در روایات ظهور در این دارد که باید الآن بالفعل زاد و راحله داشته باشد نه فی الاستقبال.

ارزیابی ادله

ارزیابی دلیل اول: نسبت به دلیل اول باید گفت که اگر بخواهیم مسامحات عرفیه را بپذیریم، در عنوان استطاعت فعلیه عرف می‌گوید شارع فرموده: «من استطاع»، استطاعت هم استطاعت عرفیه است و عرف باید بگوید این زاد و راحله دارد، در این صورت عرف فرقی نمی‌بیند بین کسی که هر روز کاسبی می‌کند و از پول آن برای خودش زاد تهیه می‌کند که در وطن باشد یا در

سفر بر خلاف کسی که قدرت بر تکسب در سفر ندارد که که عرف او را مستطیع و دارای زاد و راحله فعلی نمی‌داند.

بنابراین کسی که هر روز کار می‌کند و غروب يك پولی به دست می‌آورد و با آن پول زاد خودش و توشه خودش را تهیه می‌کند، به نظر می‌رسد که عرف اینجا استطاعت را می‌پذیرد و می‌گوید چنین شخصی استطاعت دارد و فرق نمی‌کند که این الآن دستش باشد یا این که يك ساعت کار کند و پولی به دست بیاورد، مخصوصاً در جایی که به راحتی می‌تواند پول به دست بیاورد.

بنابراین در اینجا اگر گفتیم «من استطاع» استطاعت عرفیه است، به نظر ما عرف (هر کسی باید خودش عرف را استظهار کند) فرقی نمی‌گذارد بین کسی که الآن يك پولی دارد یا این که در راه کار می‌کند و پول به دست می‌آورد؛ یعنی قوه قریب به فعل دارد مثل کسی که کسوب و حلاق (آرایش‌گر) است، بلا فاصله يك حلاق انجام می‌دهد و پولی به او می‌دهند این هم قوه قریب به فعل است، عرف این شخص را نیز مستطیع می‌داند.

بنابراین در ردّ دلیل اول (که بگوییم بحث استطاعت فعلی است) می‌گوییم بحث این که این استطاعت عرفی است، عرف باید حاکم باشد به این که این استطاعت اینجا حضور دارد یا نه؟ به نظر ما اینجا عرف حاکم است و می‌گوید استطاعت هست.

ارزیابی دلیل دوم: دلیل دوم این است که بگوییم ظاهر ادله می‌گوید قبل از حرکت باید استطاعت داشته باشد و عبارت: «له زاد و راحله» در روایات را برای کسی که در طریق با کسب زاد پیدا می‌کند به کار نمی‌برند. به نظر ما دلیل دوم تمام است؛ یعنی این عنوان استطاعت فعلیه‌ای که قبل از حج باید داشته باشد را ندارد و «له زاد و راحله» یعنی باید الآن زاد و راحله داشته باشد و کسی که باید کار کند و کسبی انجام بدهد و بعد برای او زاد تهیه بشود و محقق شود، زاد و راحله ندارد. لذا دلیل دوم تمام است، اما دلیل اول تمام نیست.

به بیان دیگر يك وقت می‌گوییم شرط وجوب استطاعت عرفی است، عرف این را مستطیع می‌داند، ولی يك وقت می‌گوییم شارع فرموده: «له زاد و راحله»، در این صورت اگر به بیان اول اشکال کنیم بیان دوم تمام است. طبق دلیل اول عرف می‌گوید الآن مستطیع است و تحصیل استطاعت نیست، اما روی بیان دوم می‌شود تحصیل استطاعت؛ یعنی طبق بیان دوم این می‌گوید: «له زاد و راحله»، اما الآن «لیس له زاد، بل يجب عليه التحصيل»، بعد می‌گوییم تحصیل استطاعت واجب نیست، اما طبق بیان اول می‌گوییم استطاعت عرفی هست و عرف باید بگوید مستطیع باشد، عرف هم می‌گوید این مستطیع است.

وقتی استطاعت عرفیه شد آیا این شخصی که هر روز در شهر خودش باید کار کند تا زادی به دست بیاورد، الآن هم بخواهد حج برود باید بین راه کار کند و می‌تواند کار کند، عرف بین این دو فرق می‌گذارد؟ می‌گوییم فرق نمی‌گذارد و می‌گوید او هم استطاعت است. اما در دلیل دوم اگر نگاه کنیم باید مصداق برای «له زاد و راحله» (یعنی مصداق استطاعت شرعیه) باشد و عرف نمی‌پذیرد که چنین شخص هم مصداق برای «له زاد و راحله» باشد، بلکه عرف می‌گوید: «لیس له زاد و راحله».

ادله دیدگاه دوم: وجوب حجّ

دلیل وجوب را مرحوم نراقی در مستند (که قائل به وجوب است) ذکر کرده و می‌فرماید: «و لو لم يجد الزاد و لكن كان كسوباً يتمكن من الاكتساب في الطريق لكل يوم بقدر ما يكفيه و ظنّ امكانه بجريان العادة عليه من غير مشقة»؛ يك قیدی هم می‌زند می‌گوید اگر کسوب است و در طریق می‌تواند کار کند و ظنّ به امکان کسب دارد بدون مشقت؛ یعنی می‌داند بین راه هم به صورت بسیار عادی این کارش را می‌تواند انجام بدهد، «وجب الحج لصدق الاستطاعة»^[5]. همان بیانی که گفتیم مرحوم نراقی سراغ استطاعت عرفیه رفته و می‌گوید اینجا استطاعت عرفیه موجود است و به همین جهت، حج برای این شخص واجب است.

مرحوم شاهرودی این کلام مرحوم نراقی را توضیح داده و می‌گوید: «و الوجه فی ذلك (دلیل قول به وجوب که مرحوم نراقی قائل است) أنه و إن لم يكن واجداً لعین الزاد فعلاً لكنه علی ای حال يحصل الزاد فی طریقہ إلى الحج، فی کل يومٍ لأکله و شربه بلا فرق فی ذلك بین کونه فی الحضر أو السفر علی ما هو المفروض، ففی کل زمانٍ هو واجداً لزاد خصوص ذلك الزمان إلى آخر الاعمال و إلى أن يرجع إلى وطنه»^[6]، پس مرحوم نراقی از این راه وارد شده است.

ارزیابی دیدگاه دوم

این تفکیکی که بین دو دلیل کردیم اینجا ثمره‌اش ظاهر است، به مرحوم نراقی می‌گوییم اگر شما باشید و استطاعت، می‌گویید استطاعت عرفیه است و در این صورت حق با شماست؛ زیرا عرف این شخص را مستطیع می‌داند؛ یعنی عرف بین کسی که در حضر هر روز حلاق می‌کند و پول در می‌آورد، یا این که برود در طریق حلاق می‌کند فرقی نمی‌گذارد، منتهی يك قیدی دارد که در طریق برایش حرجی نباشد، لیکن به مرحوم نراقی می‌گوییم شما با عبارت: «له زادٌ و راحله» در روایات چه می‌کنید؟!

حال اگر کسی بگوید: «له زادٌ و راحله» اطلاق دارد یعنی چه بالفعل و چه در آینده، باید گفت این حرف بسیار خلاف ظاهر است. وقتی حضرت می‌فرماید: «له زادٌ و راحله»؛ یعنی الآن باید زاد داشته باشد. لذا آن دلیل دوم در اینجا محکم است و باید قول به عدم وجوب را اختیار کرد.

دیدگاه والد معظم (قدس سره)

مرحوم والد ما ابتدای بحث به نکته‌ای اشاره کرده و می‌فرماید: فقط بدانید که محل نزاع را اینجا اشتباه نکنید «وليعلم أن محل الاختلاف ما اذا لم يكن له بالفعل زاداً اصلاً»؛ کسی زاد ندارد این محل نزاع است که الآن زاد ندارد و در راه باید کار کند زاد پیدا کند، «و اما ما هو المتداول فی هذه الازمنة من استخدام بعض الاشخاص للخدمة فی سفر الحج لأجل الطبخ أو سایر الخدمات أو استخدام بعض الروحانيين للنظارة علی امر الحجاج من جهة مناسكهم و تجعل الاجره زاداً و راحلةً أو مع اضافة»؛ اما در زمان ما که بعضی از اشخاص را برای خدمه در کاروان‌ها می‌برند (مثل آشپز یا روحانی کاروان) و بعد اجرت اینها را زاد و راحله‌شان قرار می‌دهند (یعنی پول بلیط و راحله‌شان را می‌دهند و زاد هم در اختیارشان می‌گذارند)، آنها در این مسئله داخل نیستند؛ یعنی این گونه افراد هم باید آشپزی کنند تا غذا به ایشان بدهند، زادشان را به ایشان بدهند، راحله‌شان هم حساب کنند و در اختیارشان بگذارند.

ایشان می‌فرماید: این گونه افراد «لا اشكال فی تحقق الاستطاعة من حيث الزاد و الراحله بالاضافة إليهما»، می‌پرسیم چه فرقی دارد؟ بگوییم يك کسی باید حلاق کند در بین راه خودش پول به دست بیاورد و غذا بخورد، یا يك کسی همراه يك کاروانی بشود خدمت کند یا آشپز باشد تا به او غذا بدهند چه فرقی می‌کند؟ می‌فرماید: «لوقوع الاستیجار قبل الشروع فی الحج»؛ این خدمه یا این روحانی کاروان قبل از شروع حج اجیر می‌شود، «و من المعلوم أنه عند تمامية عقد الاجاره»؛ وقتی عقد اجاره تمام شد مستأجر، مالك عمل اجیر است و اجیر هم مالك اجرت است، «فالملكية ثابتة قبل الشروع فی السفر»؛^[7] یعنی این خدمه قبل از شروع در سفر مالك آن زادی است که مدیر کاروان می‌خواهد به او بدهد همان‌گونه که مدیر کاروان مالك عملی است که این خدمه می‌خواهد انجام بدهد این هم مالك آن زاد می‌شود.

بنابراین ایشان می‌فرمایند فرق وجود دارد بین این که يك کسی قبل الحج و شروع در طریق اجیر بشود و بعد اجرتش را زاد و راحله قرار بدهند (و بگویند پول راحله‌ات را ما می‌دهیم و زاد در طریق هم به تو می‌دهیم این اجیر شده)، وقتی اجیر شده می‌توانیم بگوییم این اجیر (در اجاره بر اشخاص، آن کسی که عمل می‌کند را می‌گویند اجیر و آن کسی که استیجار می‌کند را مستأجر می‌گویند، مستأجر مالك عمل این است) یا موفر که اینجا يك معنا دارد مالك این زاد و راحله است.

لذا می‌فرماید بین این گونه افراد که در زمان ماست و این مسئله تمکن در طریق فرق وجود دارد و محل خلاف در جایی است که قبل از شروع در عمل استیجاری نباشد.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين.

[1] «المراد من الزاد والراحلة ما هو المحتاج إليه في السفر بحسب حاله قوة و ضعفا و شرفا و ضعة، و لا يكفي ما هو دون ذلك، و كل ذلك موكول إلى العرف، و لو تكلف بالحج مع عدم ذلك لا يكفي عن حجة الإسلام، كما أنه لو كان كسوبا قادرا على تحصيلهما في الطريق لا يجب و لا يكفي عنها.» تحرير الوسيلة، ج1، ص: 373، مسئله11.

[2] العروة الوثقى (للسيد اليزدي)، ج2، ص: 430، مسئله5.

[3] العروة الوثقى (المحشى)، ج4، ص: 365.

[4] «ذهب بعضهم إلى أنه لو لم يجد الزاد بالفعل، و لكن كان كسوبا يتمكّن من الاكتساب في الطريق لكل يوم قدر ما يكفي، كالحاق وجب عليه الحجّ لصدق الاستطاعة. و لكن الظاهر عدم الوجوب، لأن العبرة في التمكن من الزاد بالوجدان الفعلي و الاستطاعة إنما تصدق في صورة التمكن من الزاد فعلاً أو قيمة، و التمكن من الاكتساب في الطريق من قبيل تحصيل الاستطاعة، و يصدق عليه أنه ليس له زاد فإنّ الظاهر من قوله (عليه السلام) «له زاد و راحلة» أن يكون مستولياً عليهما بالفعل بملك و نحوه، و لا يصدق الاستيلاء على الزاد بالفعل، بمجرد التمكن من اكتساب الزاد في الطريق.» موسوعة الإمام الخوئي؛ ج26، ص: 70.

[5] مستند الشيعة في أحكام الشريعة، ج11، ص: 27.

[6] كتاب الحج (لشاهرودي)، ج1، ص: 105-104.

[7] «الأمر الثاني ما إذا لم يكن عنده الزاد و لكن كان كسوبا يمكنه تحصيله بالكسب في الطريق لأكله و شربه و سائر حوائجه فهل يجب عليه الحج في هذه الصورة أم لا؟ فيه وجهان بل قولان و ليعلم ان محل الاختلاف ما إذا لم يكن له بالفعل زاد أصلا و اما ما هو المتداول في هذه الأزمنة من استخدام بعض الأشخاص للخدمة في سفر الحج لأجل الطبخ أو سائر الخدمات أو استخدام بعض الروحانيين للنظارة على أمر الحاج من جهة مناسكهم و تجعل الأجرة زادا و راحلة أو مع اضافة فلا إشكال في تحقق الاستطاعة من حيث الزاد و الراحلة بالإضافة إليهما لوقوع الاستيجار قبل الشروع في سفر الحج و من المعلوم انه عند تمامية عقد الإجارة يملك المستأجر العمل على الأجير و الأجير الأجرة على المستأجر فالملكية ثابتة قبل الشروع في السفر نعم ربما يتحقق الإشكال في بعض الموارد كأكثر الروحانيين بناء على اعتبار الرجوع الى الكفاية في الاستطاعة- الذي سيأتي البحث فيه إن شاء الله تعالى- و اما الاستطاعة من جهة الزاد و الراحلة فلا اشكال فيها أصلا فالكلام في المقام انما هو في غير هذه الصورة و هو ما إذا لم يكن بالفعل مالكا للزاد أصلا بل الثابت بالفعل هي القدرة على تحصيله في الطريق و المحكى عن مستند النراقي الوجوب فيه حيث قال: «و لو لم يجد الزاد و لكن كان كسوبا يتمكن من الاكتساب في الطريق لكل يوم قدر ما يكفي و ظن إمكانه بجريان العادة عليه من غير مشقة وجب الحج لصدق الاستطاعة» و قال العلامة في التذكرة في هذه المسألة: «فان كان السفر طويلا لم يلزمه الحج لما في الجمع بين السفر و الكسب من المشقة العظيمة و لانه قد ينقطع عن الكسب لعارض فيؤدى إلى هلاك نفسه و ان كان السفر قصيرا فان كان تكسبه في كل يوم بقدر كفاية ذلك اليوم من غير فضل لم يلزمه الحج لانه قد ينقطع عن كسبه في أيام الحج فيتضرر، و ان كان كسبه في كل يوم يكفيه لأيامه لم يلزمه الحج أيضا للمشقة و لانه غير واجد لشرط الحج و هو أحد وجهي الشافعية و الثاني الوجوب و به قال مالك مطلقا» و مقتضى دليله الأخير و هو عدم كونه واجدا لشرط الحج عدم الوجوب مطلقا سواء كان في السفر الطويل أو في السفر القصير.» تفصيل الشريعة في شرح تحرير الوسيلة - الحج؛ ج1، ص: 97-98.